

جوان و نیروهای جوانی



دکتر علی قائمی

- دوران جنینی، دوران کودکی، دوران نوجوانی، دوران جوانی، دوران میانسالی، دوران بزرگسالی، دوران پیری و دوران کهولت و فرتوتی، که هر مرحله به مناسبتی از شأن و اهمیت فوق‌العاده برخوردار است.

در بعد سیاسی - اجتماعی حیات، شاید هیچ مرحله‌ای به اهمیت دوران جوانی نباشد که سنین آن را ۱۸ - ۲۶ ذکر کرده‌اند. البته عده‌ای از روان‌شناسان پایان جوانی را سن ۲۴ و عده‌ای دیگر آن را سن ۲۸ دانسته‌اند. ولی ما بر اساس

مقدمه

معمولاً در تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه‌ریزی در جهت حرکت دادن به سوی رشد و احیاناً بهره‌گیری از توانها، سعی بر این است که کل حیات آدمی را به مراحل تقسیم کنند که اهم آنها بر اساس سلیقه قابل دفاع ما عبارتند از:

وجود برای وصول به مقصد باشد. به ویژه که حمایت از محرومان، دفاع از مظلومان و ستیز با منحرفان ریشه در ذات و فطرت او دارند.

زمینه‌های توانمندی

چه بسیارند توانمندی‌ها و یا زمینه‌های آن که می‌توانند سرمایه‌هایی گرانقدر برای گردانندگان امور جامعه و حرکت به سوی راه و مقصد باشند. و طبیعی است که اگر آن قدرت‌ها و توانها در خدمت راهزنان سیاسی قرار گیرد، می‌تواند همانان را در وصول به مقاصد شیطانی کمک کار باشد.

رهبری پیامبر گونه‌ای لازم است تا امر هدایت نسل جوان و بهره‌گیری از قدرت آنان را در جهت رشد و سازندگی آنها، و اعتلای جامعه‌شان بر عهده گیرد و این مقصدی است که نبی گرامی اسلام (ص) و ائمه هدی (ع) در طول مدت انجام وظیفه و رسالت الهی‌شان آن را تعقیب کرده و پیروزی‌های درخشانی را در این عرصه داشته‌اند. برای آگاهی از این مثنی و خط کافی است نگاهی ولو محدود به دست پروردگان پیامبر (ص) و امامان داشته باشیم.

و اما توانمندی‌های جوانان چه به صورت فعل و چه به صورت زمینه، عبارتند از:

- ایمان و باور قوی به مبانی اعتقادی و مذهبی که همگام با فطرت و مبتنی بر آن است.
- توان و قدرت جسمی در طریق تحقق اهداف و خواست‌ها.
- شور و احساس پاک و سالم، توأم با صفا و اخلاص که سرمایه‌ای عظیم در جهت تلاش است.
- اعتماد به نفس و خودباوری که سبب

اسناد و روایات و مذاق اسلامی آن، پایان جوانی را همان ۲۶ سالگی می‌دانیم.

جوانی و زیبایی‌های آن

این مرحله از حیات که به تعبیر گروهی از روان‌شناسان، چون باد می‌آید و چون برق می‌گذرد، یکی از مهم‌ترین و زیباترین دوره‌های حیات است زیرا:

- توان بدنی در منتهای اوج خود و دائماً رو به افزایش است.

- هوش در بالاترین حد خویش و در سطحی است که بالاترین مرز آن به حساب می‌آید.

- عواطف و احساس در بالاترین نقطه اوج خویشند.

- جرأت، شجاعت، تهوّر، عشق و محبت عامل حرکت و تلاش جوان تا وصول به کرانه‌های افق حیاتند.

- آزادی‌خواهی، عزت‌طلبی، کمال‌جویی، حقیقت‌دوستی، زیباپرستی، وجدان‌بیدار و داور در او به عالی‌ترین وجه جلوه و تجلی دارند.

- میل به ستایش، نیایش و رابطه با معبود، در گوشت و خون، و جان و دل او ریشه دارند.

- خواستاری صلاح و امنیت، دوستداری خدمت به مردم، میل به آبادانی و رفاه و ایجاد جامعه آباد و آزاد برای او از حد خواست گذشته و به مرحله آرمان رسیده است.

- روح امید و شادابی و نشاط در او زنده و بیدار و مایه و انگیزه حرکت او به سوی مقصود است.

و این مجموعه سبب می‌شود که جوان دنیا و آینده را زیبا ببیند و با سرخوشی از رؤیای آن آماده سرمایه‌گذاری از جسم و جان و تمامیت

پیشروی به سوی مقصد با گامهای استوار است.
- آینده‌خواهی برای خود و جامعه که در آن
همه چیز در سطح بالا و اوج خویش مطرح
است.

- عشق به انسانها که درونش لبریز از آن
است، به ویژه انسانهایی که به نظر او مستحق
لطف و انعام هستند.

- آرمان‌گرایی در صلح و خیرخواهی‌ها در
سازش که از این بابت جهان را چون بهشتی
طلب می‌کنند.

- کرامت‌خواهی و کمال‌جویی و حقیقت
دوستی که محرکی درونی برای به راه‌انداختن
آنان است.

- وفای به عهد و احساس تعهد و مسؤولیت
در قبال خدا و مردم.

- رحم و مروت و انسانیت که خود سبب
پرهیز او از استثمارها و تعقیب خط‌صدافت با
مردم است.

تجربه‌ها در مورد جوان

توانمندیهای جوانان به عنوان قدرتی کارساز
در طول تاریخ مورد توجه و نظر بزرگان،
فلاسفه، دانشمندان و از همه برتر انبیاء و اولیای
الهی بوده است. از قدیم‌ترین اسناد در این
زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تلاش و حرکت سقراط در گردآوری
جوانان و ارشاد و هدایت آنها که مورد
نارضایتی دستگاه زمامدار زمان قرار گرفت و به
این بهانه سیاسی که سقراط جوانان را علیه نظام
بر می‌آشوباند، او را محکوم به اعدام کردند.

- ارسطو نیز بمانند افلاطون از صاحب‌نظرانی
بود که تأکید بر تربیت نیروی جوان و بهره‌گیری
از قدرت و توان ایشان در جهت اعتلای جامعه

داشت.

- دانشمندان و بزرگان دیگر تا زمان ظهور
اسلام نیز در توجه به این نسل عنایت بسیار از
خود بروز دادند.

- رسول گرامی اسلام (ص) رمز پیشبرد
مقاصد خود را در هم پیمانی جوانان با خود
ذکر کرده، فرمود: **فَخَالَفَنِي الشَّبَانُ ...** و جوان را
سرمایه‌ای برای دنیای اسلام معرفی می‌کرد.

- و نیز او در پستها و مناصب معین به نیروی
جوان تکیه داشت، مثل اعطای پست
فرماندهی سپاه، فرماندار شهر، اعزام نیروهای
تبلیغی و ...

- تکیه‌گاه علی (ع) در جنگ صفین و دیگر
جنگها، نسل جوان بودند و آنها در برابر دشمن
صف‌داری داشتند.

- و به همین گونه بود موضع دیگر امامان در
ارتباط با تربیت نسل جوان و حتی اعزام آنها
برای تبلیغ و مناظرات مذهبی و ...

- تجارب انقلابیون و نهضت‌گرایان طول
تاریخ، و در قرون معاصر بزرگان اسلام چون
سید قطب و دیگران، توجه به همین نسل را
نشان می‌دهد.

- و تجربه انقلاب اسلامی ما ملموس‌ترین و
عیان‌ترین امری است که مثبت دعوی ماست و
ما دیدیم که جوانان چه حرکت‌های عظیمی را
ثمر بخشیدند و چگونه انقلاب و حرکت‌های
دفاعی و سازندگی را به ثمر رساندند.

هدایت قدرت و بهره‌گیری‌ها

قدرت جوان سرمایه‌ای عظیم برای کشور و
جامعه است و جوانان چه شهری و روستایی،
کارگر و یا کارمند، تحصیلکرده و یا بیسواد در
همه احوال می‌توانند منشاء‌آثاری خیر برای

جوانی افراد را به صورت زیر هدایت کرد و از آن بهره گرفت:

- در جنبه شناخت خود و توان و امکان و نقاط ضعف و قدرت خویش.

- در جنبه خودپذیری و قبول خود و خواستاری رشد و کمال و ارتقای خویش.

- در جنبه خودرهبری برای سازندگی و رفع عوارض و پیراستن‌ها و آراستن‌ها و خودپروری.

- در تسهیل رشد تن، اصلاح ذهنیت‌ها، رشد و پرورش روان و عاطفه و توسعه استعدادها.

- در کسب مهارت‌های عملی و ورزشی جسم و اعضاء و خوب دیدن و خوب شنیدن.

- در ارتقای سطح علمی و فرهنگی، داشتن فلسفه‌ای روشن برای زندگی، تجدید نظر در فکر و خط مشی.

- در بالا بردن سطح آگاهی‌های مذهبی، در ارتباط با قرآن و سنت، آگاهی‌های فقهی.

- در ایجاد روحیه ایستادگی و مقاومت، داشتن عزت نفس، خوداتکایی و علو روحی.

- در پرورش فکر و خرد، استنباط، نظر، شخصیت‌داری و صیانت نفس از خطر.

- در فراهم سازی زمینه برای بهداشت تن، بهداشت روان و صیانت از ذخائر وجودی.

۲- در عرصه حیات اجتماعی

چه بسیارند زمینه‌های هدایت و جهت‌دهی‌ها در این عرصه، و چه بسیارند امکان بهره‌گیری از قدرت جوانان در طریق

تأمین و حفظ منابع جامعه. و از آن جمله‌اند:

- تکیه و توجه به روابط سالم اجتماعی، سازگاری با جامعه و مردم و آماده‌سازی خود به

عنوان یک الگوی اسلامی در روابط.

جامعه خود باشند و این با شرط هدایت و جهت‌دهی قدرت آنهاست.

باید توان جسمی، قدرت ذهنی و فکری، حافظه و تعقل، تخیل و دقت، استعداد و

امکانات بالقوه جوان ساخته و پرورده شوند. عواطف او از محبت و عشق، ترس و خشم، و

در نهایت شور و احساس او جهت یابند. توانهای روانی او از آزادی‌خواهی، ستایش و

نیایش، کمال‌جویی، حقیقت‌دوستی، زیبایی‌خواهی، ایدآل و آرمان‌جویی او در

خطی اندیشیده و معقول قرار گیرند.

و در صورت تحقق این جنبه‌ها وجود جوانان سراسر نیرو، سرمایه، اندوخته‌های

درخور، و آماده بهره‌برداری خواهد بود. طبیعی است که در این بهره‌گیری اصل، خود جوان

است. بدین معنی که بیشترین سرمایه و توان او باید صرف خود او گردد، و از رشحات آن رشد

و سازندگی جامعه نیز باید بهره‌مند شود.

در عرصه هدایت و بهره‌گیری

چه بسیارند عرصه‌های هدایت و بهره‌گیری برای این وجودهای گرانقدر که مسؤولان و

زامداران و گاهی هم نسل جوان از آن غافلند و بر اثر آن چه بسیارند معادن و ذخایر الهی، که در

عرصه حیات، ناشناخته و بی‌اثر، در معرض دید عمومند، و پس از گذشت عمر، همچنان

دست نخورده رخ زیر پرده خاک می‌کشند.

عرصه‌های مربوط به هدایت جوان و بهره‌گیری از توانمندی‌های او به صورت‌های زیر

قابل دسته‌بندی و بررسی هستند:

۱- در عرصه حیات فردی:

در این عرصه می‌توان امکان و نیروی

به محرومان .

- کمک به اجرای طرحهای رفاهی، درمانی و بهداشتی و یاری رسانی در هنگام بروز سوانح و آسیب‌ها و نظافت محل .
- تشکیل کلاس‌های خانواده و اخلاق برای جوانان و درس آموزی آنان .

۳- در عرصه اقتصادی

- جوانان نیرومندترین بازوی کار برای جامعه، قوی‌ترین عنصر تولید، و کارآمدترین افراد در عرصه ابتکار، اختراع و ابداعند و در این جنبه هم نیازمند به هدایتند و هم در خور بهره‌گیری‌ها در عرصه رشد اقتصادی. زمینه‌های موجود در این عرصه‌ها عبارتند از:
- توجه به کار و تولید و فراهم آوردن زمینه اشتغال، کاریابی، کارسازی و اقدام به کار و خوداشتغالی .
- توجه به صنایع دستی و روستایی، مثل قالی بافی، کارهای دستی هنری، سفالگری و ...
- انجام کارهای کشاورزی، از کشت و زرع، پرورش گیاهان و محصولات صحرایی، و توسعه زراعت .
- پرورش دام و طیور و حیوانات اهلی، در روستاها و مناطق مناسب و مراعات .
- صید و صنایع مربوط به آن از ماهیگیری، کنسروسازی و آگاهی و عمل در این حیطه .
- اشتغال به صنایع و حرف جدید و اعمال نوآوری‌ها و توسعه برنامه‌های مبتکرانه .
- انجام کارهای باغبانی، گلکاری و پرورش گلها، درختکاری، باغداری و باغبانی .
- تلاش‌های فنی و حرفه‌ای در جهت رفع نیاز محلی و منطقه‌ای، و استفاده از توان نوآوری جوانان .

- مرزرداری در اخلاق و صیانت از آن، بهداشت اخلاقی، دعوت به اخلاق و مراعات‌های لازم .
- نظارت اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، پاکسازی جامعه از مفاسد و انحرافات، و تلاش در اصلاح جامعه .
- اصلاح ذات‌البین و جلوگیری از تبعیض و ستم و نفاق و حل و رفع تعارضات و تضادها .
- بسیج منابع انسانی در جهت توسعه اجتماعی، سازندگی و پاسداری جامعه و تلاش برای رشد و اعتلای آن .
- عرضه و ارائه خدمات اجتماعی - بهداشتی و حفظ و بهبود محیط زیست و آرایش‌های اجتماعی .
- کنترل خشونت، قاچاق، ترور، فحشاء و دیگر انحرافات درگیرکننده اجتماع .
- دادرسی‌ها و تلاش در جهت احیای حق مظلوم و نجات او از ستمکاران و دفاع از محرومان .
- داوری‌ها در جامعه، قضاوت عادلانه، شهادت به حق، حفظ احترام و حیثیت‌ها .
- فراهم‌سازی شرایط برای تحکیم خانواده و حفظ قداست آن از طریق پاکسازی‌های محیط از مفاسد .
- مسؤلیت‌پذیری و قبول عضویت جامعه و استقرار خود در آن به عنوان یک مهره ارزنده .
- آموزش فن تبلیغ و اقدام در جهت هدایت دیگران، در عرصه‌های محلی و منطقه‌ای .
- مددکاری در عرصه‌های امنیتی، رفاهی، پزشکی، و خدمت‌رسانی به مدارس و مسؤولان شهر .
- تشکیل گروه داوطلب برای نظارت‌ها، انتظامات، امداد رسانی‌ها، تنظیفات و رسیدگی



مؤسسات انفاق و احسان، وقف، صدقات ، و انجام توزیع های لازم .
- داشتن حیات مقتصدانه و به دور از اسراف، تبذیر، اقتار، و اتراف .

۴- در عرصه فرهنگی

عرصه های فرهنگی یکی از عرصه های وسیع و پر دامنه کار و تلاش برای جوانان است. چه بسیارند امکان سرمایه گذاری ها و هدایت ها و نیز چه فراوانند توان بهره گیری از امکانات و توانمندی های جوانان در این زمینه مواردی که قابل ذکرند بسیار است و از آن جمله :

- تجدیدنظر در افکار و اندیشه های شخصی و آنچه در جامعه رایج است و تلاش در جهت پاکسازی و اصلاح .
- داشتن فلسفه ای روشن از زندگی بر اساس منطقی اندیشیده ، بر مبنای خطوط اعتقادی و

- اجرای طرح های کم هزینه با سرمایه اندک مثل جعبه سازی، زه کشی ها، آماده سازی زمین ها .
- همکاری در ساخت و سازهای بنیادین مثل شهر سازی، سد سازی، احداث کارخانه، قنات کشی ها.

- تأسیس تعاونی ها و تقویت آن در زمینه های مختلف غذایی ، رفاهی ، تعاونی عرضه خدمات و مصرف .
- جمع آوری خدمات و توزیع و نشر و بخش مواد و کالاها و در دسترس قرار دادن آنها برای عامه .

- تولید اندیشه اقتصادی در زمینه ساختن ابزار و قطعات ، تجارت ، صادرات و واردات .
- تقویت روحیه کار و تلاش و مبارزه با تن پروری و قبول مشاغل مشروع ، بدون توجه به نام و عنوان .
- اداره صندوق های قرض الحسنه،

مذهبی .

- گسترش و توسعه علوم از طریق بحث و تحقیق ، فراگیری و نشر، تعلیم و تعلم ، پرسش و پاسخ .

- تلاش در عرصه های ادبیات ، نقدها و بررسی ها، توجه به اشعار و ضرب المثل های رایج و تجدید نظرها .

- تجدید نظر در آداب و رسوم و آیین های قدیمی، و سعی در جرح و تعدیل و اصلاح آنها و توسعه و رواج بعدی .

- اقدامات مربوط به رسوم و سنن و شعائر و مناسک و بررسی و تجدید نظر در آنها و انطباق با شرع و خرد.

- تجدید نظر در هنر و ارزیابی آنها و اصلاح و تنقیح ، و ترویج جنبه های غیر مباین با شرع و اخلاق .

- شناخت و پای بندی به ارزش ها و پاسداری از آنها، به ویژه در جنبه های قداست آفرین آن .
- جهت داری در ابداع و اختراع و هدایت آنها در جهت خیر و سعادت انسانها .

- تبادل آگاهی ها و تجارب و تعاطی افکار در جهت ارزیابی ها و توسعه ها و نشرها .
- قبول و تسهیل تحقیقات از طریق تهیه فیش ها، فهرست موضوعی ، پرسشنامه و مصاحبه .

- تشکیل و اداره کنفرانس های علمی ، در عرصه های مذهبی، تاریخی، علمی ، اقتصادی و سیاسی .

- مردمی کردن آموزش و مبارزه با بیسوادی و گسترش دامنه آن از خانه به محله و منطقه و شهر و کشور .

- همکاری با نهادهای آموزشی در جهت توسعه آموزش و دانش و فرهنگ کشور در

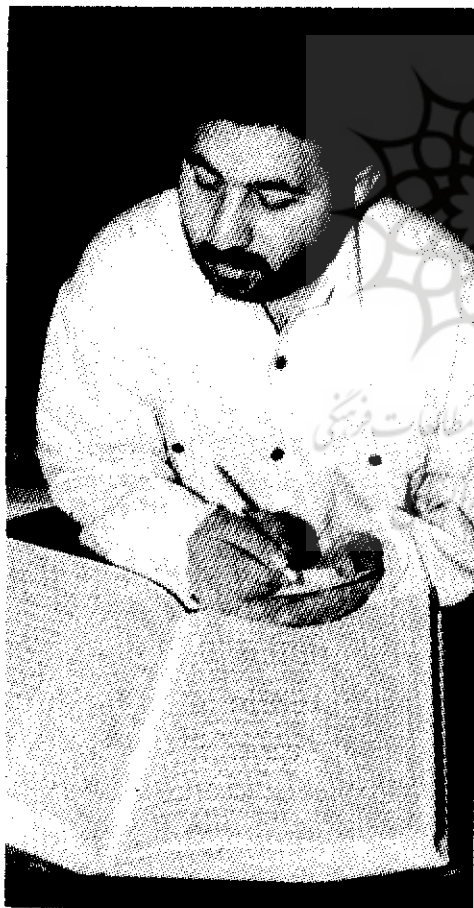
عرصه های محلی و منطقه ای .

- تحقیق و پژوهش در عرصه های علمی، تاریخی ، اداری و نشر و عرضه نتایج آن در جامعه ملی و بین المللی .

- تشکیل کمیته های فرهنگی و توسعه آن در محله، شهر و منطقه در جهت پربار کردن اندیشه ها .

- تشکیل کلاس برای فرهنگ شناسی از فرهنگ مادی و غیرمادی، تمدن اسلامی و مقایسه فرهنگها .

- ارزیابی از مطبوعات ، اعم از روزنامه ها،



عبارتند از :

- توجه به اهمیت حکومت عادلانه و تأسیس و پاسداری از آن و خاموش کردن جو مخالف .
- توجه به رهبری به حق و سعی در تثبیت موقعیت او و پاسداری و دفاع از حقانیت آن .
- کمک به قانون‌گذاران در تصویب قانون و بیان حقایق لازم در آن عرصه با مصونیت .
- کمک به اجرای قانون و همکاری با مجریان در عرصه‌های گوناگون و نشر قانون‌مداری در جامعه .
- توجه به سرزداری در آزادی ، احیا و صیانت آزادیهای اساسی ، با الهام‌گیری از خط حلف‌الفضول .
- جلوگیری از خفقان و جو اختناق و عدم سلطه‌پذیری ، و ایستادگی در برابر زور و استبداد .
- تشکّل و سازماندهی نیروها ، تحزّب اندیشیده و الهی ، مهره‌سازی‌ها و مهره‌پذیری‌ها در زندگی سیاسی .
- اداره جنگ و دفاع و مبارزه با خصم با تمام وجود ، شهادت‌طلبی و گذشت از جان برای حفظ قداست‌ها .
- تلاش در تحقق صلحها ، به‌ویژه صلح جهانی و دفاع و پاسداری از صلح و مبارزه با شورش‌ها .
- کوشش در حفظ وحدت ملی ، توسعه روابط دوستانه و ایجاد زمینه و شرایط انس در جامعه .
- نظم دادن در روابط بین‌المللی ، سعی در همکاری کشورها ، آشنایی با جهانیان و استفاده از خطوط فکری .
- اصلاح سازمانها و ادارات از طریق بازرسی آشکار و پنهان و همکاری با دولت .

مجلات ، داستانها ، کتب ، بریدن قطعه‌هایی از روزنامه .

- فعالیت‌های هنری از نمایشنامه نویسی ، اجرای نمایشنامه ، خوشنویسی و ...
- تلاش در هنر عکاسی ، فیلم‌سازی ، تهیه اسلاید ، هنر تذهیب ، تجلید ، مینیاتور .
- تهیه مجموعه‌ای از عکس‌های مهم و تاریخی ، آثار هنری ، رسالات ، مقالات ، تمبرها و ...
- تدبیر برای غنی‌سازی اوقات فراغت ، از کار دستی ، ورزش ، تیراندازی ، تفریحات ، سرگرمی و اشتغال .
- تهیه اسناد و مدارک از موزه‌ها ، مطبوعات ، مساجد ، جلسات و عظ ، کتابخانه‌ها ، باشگاهها .
- شناخت مراکز تحقیقی ، مجامع علمی ، سازمانهای فرهنگی ، پزشکان ، و ارجاعات در موارد لازم .
- فعالیت‌های علمی - فرهنگی مثل مطالعه کتب ، تلخیص کتب ، عرضه و نشر احادیث .
- همکاری در تأسیس کتابخانه در مسجد و مدرسه به صورت ثابت و سیار ، برای کودکان ، نوجوانان ، مردم .
- پخش و نشر کتب ، روزنامه ، مجله ، امانت دادن کتب در جهت پربار کردن اندیشه‌ها .
- تشکیل جلسات بحث ، مناظره ، ارائه مباحث ، مشاعره ، مسابقات مقاله‌نویسی .

۵- در عرصه سیاسی :

با زمینه‌های شور و احساسی که در جوانان وجود دارد ، و علاقه آنان به حکومت نظم و ضوابط و قاعده‌های اصلاحی ، با توانمندی آنان در زمینه دفاع و جنگاوری ، هدایت‌ها و بهره‌گیری‌هایی از آنها مطرح است که اهم آنها

- اصلاح اعتقادات و تقویت آنها که سعادت‌ها در گرو همان است .

- آگاهی از خطوط قرآن و سنت در جهت آراستن خود به فضایل و دوری از رذایل .

- باور قلبی به تعالیم و دستورهای دینی، آنچنان که بخشی از وجود او را تشکیل داده ، با خون همراه گردد.

- عمل به تعالیم مذهبی و دینی در ضمن شناخت کامل و اساسی آن، در سفر و حضر و در نهان و آشکار .

- تن دادن به اجرای حدود درباره خود و غیر و قبول قداست فرمان پروردگار .

- شناخت خدا و ایمان به او به عنوان خالق، مالک، محیی، ممیت، معزّ و مدلّ او .

- تسلیم در برابر خدا و قبول اطاعت، تسلیم، پذیرش و در نهایت عبادت او .

- ارتباط با خدا، استمداد از او، درخواست‌ها از او .

- قراردادن مشی و رفتار، عبادت و اطاعت، نماز و عبادت و حیات و ممات صرفاً برای او .

- گسترش مذهب و تبلیغ آن و نشر دستورها و احکام آن در عرصه خانواده، محله و منطقه .

- شناخت تطبیقی ادیان و احکام و بررسی جنبه‌های مربوط به تحریف‌ها و مداخله‌ها .

- استنباط دینی و توان استخراج حکم از قرآن و سنت .

- شناخت شخصیت‌های دینی از انبیاء و اولیاء و سعی در اسوه قرار دادن آنها .

- تعظیم شعائر دینی و شرکت در مراسم جشن و عزا و اعیاد و وقایع .

- آگاهی از خطوط فکری مذهب در عرصه‌های سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع

برای عمل .

- طرح توسعه ملی و گسترش عمران و آبادانی در جامعه و رفع معایب و نارسایی‌ها در جامعه .

- برنامه‌ریزی در همکاری بین‌المللی و برقراری ارتباط سالم از طریق آمد و شدها و انس آفرینی‌ها .

- مشارکت در طراحی‌های سیاسی، برای اجرای برنامه‌های دولت، به ویژه آنها که در خط قبول مردمند.

- معاونت در ارزیابی‌های سیاسی، بازنگری سیاسی و عرضه و ارائه راه‌حل‌های سازنده و اساسی .

- یاری در تداوم حقوق بشر و پاسداری و دفاع از آن و مراقبت از مرزها و حقوق و حدود .

- بازنگری در قوانین و ذکر موارد ضعف و قوت و تلاش در جهت اصلاح و بهسازی آن .

- توجه و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مردم در داخل و خارج .

- شناخت شخصیت‌های خدمتگزار و خائنان و پذیرش‌ها و طردها و اتخاذ مواضع مناسب .

- آموزش فنون نظامی و امنیتی برای زمان جنگ و اشتغال مفید در زمان صلح .

۶- در عرصه معنوی

جوان را فطرتی پاک و سالم است و بعید است که در این مدت عمر برای او آلودگی‌ها و

مفاسدی پدید آمده باشد. و بدین‌سان ضمن هدایت و تقویت آن ، می‌توان بهره‌گیری‌های

مناسب را از این زمینه‌ها داشت . مواردی که در این عرصه مورد نظرند بسیار و از آن جمله‌اند:

- کسب آگاهی‌های مناسب اعتقادی در زمینه مذهب و خط زندگی دینی .